



همشهریان عزیز! یکی از عوامل موفقیت هر کاندیدای مجلس، داشتن تیمی قوی، کارشناس و کاربلد و کارچاقن میباشد. ظاهراً من نیز از این نعمت بی بهره نبوده‌ام.

از زمانیکه اینجانب کاندیداتوری خود را اعلام نمودهام، انبوهی از کارشناسان زبده و غیرزبده دور و بر ما را گرفته و بصورت خودجوش تیم کارشناسی ما را تشکیل داده‌اند که هر کدام از آنان در مقام کارشناس، خود را در عالم سیاست در حد نیممرحوم حجاریان معرفی میکنند.

اگرچه از نیت و قصد آنان بیخبر نیستم و خوب میدانم که التماس دعایشان از بهر چیست ولی همین که در زیر علم ما سینه زده و شاهییت ما را تکرار میکنند، کلی برایمان ارزش دارند.

انشاءً پس از انتخابات نیز از شرمندگی آنها در خواهیم آمد و هر کدام را به مرادشان خواهیم رساند. البته این گروه کارشناسی ایراد دیگری هم دارند و آن اینست که در پشت سرمان در بین مردم چنان خود را مغز متفکر و وکیل و وصی کیمجیغاز معرفی میکنند که گویی قبل از وکیل شدن من، آنها وکیل ما هستند.

باری بگذریم در طی جلسهای با همین گروه‌همان، طبق نظرات کارشناسی برای جلب نظر اهالی شریف هاشجین به آن منطقه محروم سفر کنیم و به مردم آن دیار قول دهیم که در صورت پیروزی در انتخابات، هاشجین را به شهرستان تبدیل کنیم.

لذا طبق برنامه در روز موعود سوار بر ماشینهایمان شده و حرکت کردیم. پس از مدتی و طی نمودن جاده پیچ در پیچ وارد روستا شدیم. پس از پیاده شدن، بلافاصله کارشناسان با حلقه زدن بر دور و برمان، مرا تا مسجد مشایعت نموده و در آنجا مستقر شدیم.

بیچاره پیرمرد متولی مسجد را هم مامور کردند تا اهالی را در مسجد گرد بیاورد. پس از تجمع مردم در مسجد، شروع به سخنرانی نموده و از سابقه، تاریخ و شخصیت‌های بزرگ و فرهنگی هاشجین تمجیدها نموده و از آب و هوایش تعریفها نمودم. همچنین عنوان کردم که با مطالعه دقیق منطقه، محرومیتها و استعدادهای آن را شناسایی نموده و به این نتیجه رسیده‌ام که هاشجین لیاقت و شایستگی تبدیل شدن به شهرستان را دارد و من حتماً این کار را خواهم کرد. (در اینجا منتظر تشویش مردم بودم که ناباورانه دیدم صدایی از کسی در نمی‌آید و مردم هاج و واج مرا نگاه میکنند.) و من برای تهییج بیشتر مردم، ادامه سخنرانی را با آب و تاب بیشتر ادامه دادم و با آرزوی شهرستان شدن هاشجین، سخنانم را خاتمه دادم.

ناگهان جوانی بلند شد و با صدای بلند گفت: عزیز کیمجیغاز، خوش گلیسن بیزیم کنده. آما دئیکلرون بیزه نه ربطی وار؟

گفتم: نجه آخی! من سیزیچون اللشیرم. بورانی شهرستان ائلهمک منیم بویوک هدفیمدی.

گفت: آی قارداش، اشتباه گلیسن. بورا هشحین دیور، بورا ترزهنه دی.

من جاماعات قباغیندا قیزاریب، بیر کارشناسلاریم باخدیم، بیرمردومه، بیرده آچیخ قاپیا.

نویسنده : کیم جیغاز

---

شماره



کلیک کنید به کانال خلخالییم در تلگرام پیوندید